



ساخت چپ‌چین در هورامی و نقش اطلاعی آن

یادگار کریمی^{*۱}

تابان حدادیان^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

چپ‌چینی فرآیندی نحوی است که به واسطه آن عنصری از جایگاه اصلی خود خارج می‌شود و در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. جایگاه اصلی عنصر چپ‌چین با عنصری بازیافتی که به شکلی بازیافت نقش نحوی آن سازه چپ‌چین را برعهده دارد اشغال می‌شود. این پژوهش به شناسایی و تحلیل انواع ساخت‌های چپ‌چین در هورامی، با محوریت نقش اطلاعی این ساخت‌ها می‌پردازد. روش انجام پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و استخراج داده‌ها از طریق مصاحبه با گویشوران هورامی‌زبان صورت گرفته است. بررسی داده‌ها حاکی از آن است دو نوع ساخت چپ‌چین شامل چپ‌چین واژه‌بستی و چپ‌چین تقابلی در گویش هورامی وجود دارند. سپس، سه کارکرد اصلی مبتدای دربارگی، مبتدای تقابلی و کانونی‌سازی (اطلاعی/تقابلی) برای ساخت‌های چپ‌چین این گویش در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا، ساخت‌های مضاعف‌سازی و مبتداسازی نیز که دارای مشابهت ساختی با ساخت چپ‌چین هستند تحلیل گردیده و فرضیه هم‌ریشه بودن ساخت چپ‌چین و مضاعف‌سازی رد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: چپ‌چین واژه‌بستی، چپ‌چین تقابلی، عنصر بازیافتی، مبتدای دربارگی، مبتدای تقابلی.

✉ y.karimi@uok.ac.ir

۱- دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان*

✉ tabanhadadian@gmail.com

۲- دانش‌آموخته زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان

۱- مقدمه

ساخت چپ‌چین^۱ پدیده زبانی جهان‌شمولی است که تحلیل‌های دقیقی از دیدگاه‌های صورت‌گرایانه و نقش‌گرایانه دریافت نموده است. جمله (1a) نمونه‌ای از ساخت دستوری چپ‌چین از زبان انگلیسی است. در این مثال، اسم خاص "peter" در جایگاه چپ‌چین قبل از بند قرار دارد و به‌وسیله یک ضمیر هم‌مرجع "him" در نقش مفعول مستقیم در درون بند باز یافت می‌شود. این ساخت چپ‌چین برگردانی از جمله (1b) است که "peter" در جای خود در نقش مفعول مستقیم در درون بند ظاهر می‌شود:

1. a. [Peter]_i, I 've known him_i for a long time.
- b. I 've known Peter for a long time.

علی‌رغم دامنه گسترده ویژگی‌های این ساخت، اشتراکات فهرست‌شده‌ای برای آن قائل می‌شوند که عبارتند از (الکسیادو^۲، ۲۰۱۷):

۱. سازه ارجاعی به شکل چپ‌چین (عنصر چپ‌چین^۳) از بند اصلی، قبل از بند جای می‌گیرد.
 ۲. جایگاه متناظر درون بند سازه چپ‌چین، درون بند برجا گذاشته می‌شود.
 ۳. جایگاه متناظر درون بند توسط عنصر باز یافتی^۴ هم‌ارجاع (ضمیری، اشاره‌ای^۵، واژه‌بستی^۶، صفت متداعی^۷) اشغال می‌شود.
 ۴. سازه چپ‌چین با وقف آهنگی جداگانه‌ای همراه است.
- در پیکره‌بندی نحوی حاصل از ساخت چپ‌چین، نقش اطلاعی^۸ بند در واقع ارائه خبری است که درباره عنصر چپ‌چین داده می‌شود. از این خصیصه تحت عنوان شرط دربارگی^۹ در این نوع ساخت نحوی تعبیر می‌شود.
- در نمایی کلی، سه نوع ساخت چپ‌چین شامل: ساخت چپ‌چین تقابلی^{۱۰}، ساخت چپ‌چین واژه‌بستی^{۱۱} و ساخت چپ‌چین مبتدام‌محور^{۱۲} وجود دارند که بر اساس چهار رکن از یکدیگر متمایز می‌شوند: الف) ماهیت عنصر باز یافتی (ب) موقعیت و مکان عنصر باز یافتی (ج) ماهیت عنصر چپ‌چین و (د) حرکت یا عدم حرکت عنصر چپ‌چین.

-
1. Left dislocation
 2. A. Alxiadou
 3. left dislocated (LD-ed) element
 4. resumptive element
 5. demonstrative
 6. clitic
 7. epithet
 8. informative function
 9. aboutness
 10. contrastive left dislocation (CLD)
 11. clitic left dislocation (CLLD)
 12. hanging topic left dislocation (HTLD)

اولین موضوع درخور توجه در ساخت‌های چپ‌چین، اجباری بودن حضور عنصر بازیافتی و نوع آن است که به صورت ضمیری، واژه‌بستی، عنصر اشاره‌ای یا صفت متداعی جلوه می‌کند.

در پژوهش حاضر، ماهیت ساخت‌های چپ‌چین در گونه هورامی^۱ زبان کردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور، نخست انواع ساخت‌های چپ‌چین، ماهیت سازه‌های چپ‌چین، جایگاه این عناصر و نوع ضمیر بازیافتی مورد کنکاش قرار خواهند گرفت. سپس، در پرتو ترسیم مختصات توصیفی ساخت‌های چپ‌چین، نقش اطلاعی این ساخت‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

پرسش‌های کانونی در خصوص ساخت چپ‌چین که این پژوهش در صدد پاسخ به آنهاست عبارتند از:

۱. چند نوع ساخت چپ‌چین در گویش هورامی یافت می‌شود؟
۲. کارکردهای اطلاعی ساخت‌های چپ‌چین گویش هورامی چگونه تبیین می‌شود؟
۳. تفاوت مبتداسازی^۲ و مضاعف‌سازی^۳ با ساخت چپ‌چین در چیست؟
۴. آیا ساخت چپ‌چین نتیجه مضاعف‌سازی است؟

ساختار پژوهش حاضر به این صورت است که بعد از بخش مقدمه، پژوهش‌های برجسته در ارتباط با ساخت‌های چپ‌چین در بخش دوم بررسی می‌شوند. بخش سوم به بیان فرضیه انواع مبتداهای فرازکاری^۴ و هیئتهوزل^۵ در قالب مبانی نظری می‌پردازد. بخش چهارم با بیان ویژگی‌های توصیفی، انواع ساخت‌های چپ‌چین در گویش هورامی معرفی می‌شوند، در بخش پنجم به تجزیه و تحلیل نقش اطلاعی انواع ساخت‌های چپ‌چین در این گویش اختصاص می‌یابد؛ علاوه بر این ویژگی مبتدا- برجستگی^۶، ساخت‌های مشابه همچون مبتداسازی و مضاعف‌سازی و رد فرضیه پیوند ساخت چپ‌چین و مضاعف‌سازی در این بخش بررسی می‌شوند. در بخش ششم نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این گویش ذکر می‌شوند.

۱. هورامی به شاخه غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد. این گویش را بر مبنای ملاحظات زبانی و جغرافیایی می‌توان به دو گونه عمده تقسیم کرد: گونه رایج در منطقه هورامان لهون و گونه رایج در منطقه هورامان تخت. در پژوهش حاضر، گونه هورامی لهون لهجه شمالی معیار مطالعه قرار گرفته است و هرچا سخن از هورامی به میان می‌آید منظور گونه لهون شمالی این گویش است. این گویش در استان‌های کرمانشاه و کردستان ایران و بخشی از اقلیم کردستان عراق تکلم می‌شود. هورامی لهون خود دربردارنده لهجه شمالی و جنوبی است که لهجه جنوبی در روستاهای داریان، خانه‌گا، گرال، دشه و شهر پاوه در استان کرمانشاه و لهجه شمالی در بخش نوسود شهرستان پاوه به ویژه شهرهای نوسود و نودشه و در خاک کشور عراق نیز روستاهایی مانند ته‌ویله، پالانیا، سوسه‌کان، بیاره و ... رواج دارد. گویش هورامی تخت در بخش اورامان شهرستان سروآباد و روستاهایی از شهرستان مریوان استان کردستان تکلم می‌شود.

2. Topicalization
3. Clitic doubling
4. M. Frascarelli
5. R. Hinterhölzl
6. topic-prominent

۲- پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های ساخت چپ‌چین در زبان فارسی می‌توان به کریمی^۱ (۱۹۸۹) اشاره کرد؛ او به تلویح بحث در خصوص ساخت چپ‌چین در فارسی را مطرح می‌کند. از آنجا که عنصر چپ‌چین در زبان فارسی با پس‌اضافه «را» همراه است، کریمی به نقش «را» در زبان فارسی اشاره کرده و بر این باور است که جملات چپ‌چین، مشخص‌بودگی^۲ و غیرفاعلی بودن^۳ این سازه‌ها را نشان می‌دهد. منظور آن است در صورتی که یک گروه اسمی به‌عنوان سازه چپ‌چین یک عضو برجسته از یک مجموعه مرکب باشد، حالت فاعلی نداشته باشد و تحت حاکمیت حرف اضافه نباشد، حضور «را» در کنار آن اجباری است.

تمرکز اصلی کریمی بر مطالعه ساختار درونی و ترتیب واژگانی^۴ عبارت‌های فعلی تا تحلیل ترتیب واژگانی در جملات زبان فارسی است. وی در تحلیل مقایسه‌ای ترتیب واژگانی در پژوهش خود، به تشابه ویژگی‌های نحوی در زبان فارسی و زبان‌هایی با ترتیب واژگانی فعل پایانی همچون آلمانی و هلندی اشاره می‌کند. کریمی در ادامه فرضیه ترتیب واژگانی را مطرح می‌کند که با نقش‌های گفتمانی (بافت) تعامل محدودی برقرار می‌کند و با در نظر گرفتن تعاملات جهانی تأیید می‌کند این تعامل یک پدیده نحوی است که مختص زبان فارسی نیست و از اصول خاص دستور جهانی پیروی می‌کند.

کریمی بیان می‌کند مشخص‌بودگی برای نشان دادن نقش‌های اطلاعاتی به این واقعیت بر می‌گردد که مبتدا و کانون در بعضی از زبان‌ها با نمایش ساخت‌وازی ظاهر می‌شوند و در صورت عدم حضور چنین عناصر ساخت‌وازی آشکار، فرض وجود مشخصه‌های نشان‌دهنده نقش‌های اطلاعاتی متقاعدکننده است. از نقطه نظر کریمی نقش‌های اطلاعاتی انگیزه حرکت در نحو زبان فارسی را فراهم می‌کند و جایگاه فرود مفعول‌های حاصل حرکت می‌تواند مشخص‌گر هسته نقشی باشد که مشخصه‌هایی همچون مبتدا یا کانون را عهده‌دار است. وی بیان می‌کند مبتدا و کانون در زبان فارسی در جایگاه‌های مختلفی ظاهر می‌شوند و ممکن است جایگاه‌های آغازی جمله یا جایگاه پایانی گروه تصریف را اشغال کنند.

قمشی^۵ (۱۹۹۷) به‌طور ضمنی به ساخت چپ‌چین مبتدامحور قائل است. وی بر این باور است «را» به همراه سازه چپ‌چین در زبان فارسی ابزار نمایش کهنگی بار اطلاعاتی^۶ گروه‌های اسمی است؛ به این معنی که یک گروه اسمی به همراه «را» قابلیت بیشتری برای نمایاندن ویژگی‌های معرفگی^۷، جاننداری و نهایتاً واقع شدن در مقام مبتدای جمله/بافت را دارد. از دیدگاه قمشی، گروه‌های اسمی به همراه «را»، همگی مبتداهایی هستند که به‌صورت افزوده‌های فعلی توسط پس‌اضافه، حالت غیرفاعلی می‌گیرند. قمشی معتقد است هیچ ویژگی (مانند مشخص‌بودگی) به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده حضور «را» باشد. او در مقاله خود نشان

-
1. S. Karimi
 2. Specificity
 3. oblique
 4. word order
 5. J. Ghomeshi
 6. old information
 7. definiteness

می‌دهد حضور «را» محرک به‌وجود آمدن ویژگی‌های مختلفی است که یک گروه اسمی ممکن است داشته باشد.

قمشی به بررسی جنبه‌های نحوی و معنایی پس‌اضافه «را» می‌پردازد که به نوعی مشخص‌کننده حالت گروه‌های اسمی است که به گروه فعلی افزوده می‌گردند. علاوه بر این، پس‌اضافه «را» نشان‌دهنده گذرایی بالا در مواردی است که مفعول‌های مستقیم (جاندار و معرفه و پیش‌فرض) و مبتداها ظاهر می‌شوند. وی در این موارد تلاش می‌کند جنبه‌های نحوی و معنایی این پس‌اضافه را تا حدودی در راستای هم قرار دهد و تحلیل یک‌دستی ارائه کند. برای مثال، قمشی بیان می‌کند مفعول‌های مستقیم غیرمعرفه همرا با «را» از نظر معنایی به‌عنوان مبتدا شناسایی می‌شوند، او به طبقه دیگری از گروه‌های حرف تعریف همراه «را» اشاره می‌کند که از نظر نحوی به‌عنوان مبتدا شناخته می‌شوند که چپ‌چین شده‌اند و با یک واژه‌بست هم‌نمایه هستند.

گنجوی^۱ (۲۰۰۷) بیان کرده در زبان فارسی «را» همراه گروه‌های اسمی با اطلاع کهنه می‌آیند که مصداق آن‌ها از گفتمان‌های قبلی در بافت قابل دریافت است. به اعتقاد وی سازه چپ‌چین به‌صورت افزودگی به گروه تصریف/ زمان^۲ ادغام شده و به دلیل برخورداری از یک جایگاه نحوی مجزا از دیگر گروه‌های اسمی همراه «را» به مبتدا تعبیر می‌شوند.

گنجوی اعتقاد دارد تفاوت‌های قابل مشاهده بین انواع مفعول‌های مختلف در واقع نتیجه تفاوت در ساختار معنایی آنهاست زیرا فقط تعدادی از مفعول‌های مستقیم در زبان فارسی فرافکنی گسترده گروه حرف تعریف^۳ کامل را دارند، البته جداسازی گروه حرف تعریف مقابل گروه غیرحرف تعریف برای توجیه و تحلیل داده‌های مربوط به مفعول‌های مستقیم کافی نیست، اگرچه مفعول‌های غیرگروه حرف تعریف ظاهراً مشابه هم رفتار می‌کنند، گنجوی با بررسی دقیق‌تر این طور نتیجه‌گیری می‌کند این گروه‌های مفعولی یک طبقه مجزا را تشکیل نمی‌دهند. با قبول این فرض که حالت‌دهی (و ارجاع‌پذیری) فقط با فرافکنی گروه حرف تعریف هم‌سو است، تک‌واژه «را» یک حالت‌دهنده پیش‌فرض روی گروه‌های حرف تعریفی است که نمی‌توانند مشخصه‌های حالت خود را به‌عنوان فاعلی یا مفعولی ارزش‌گذاری کنند در نتیجه این تک‌واژه نه تنها مفعول‌های مستقیم را نشان‌گذاری می‌کند بلکه گروه‌های حرف تعریف (جمله‌واره) در جایگاه مبتدا را نیز مورد هدف قرار می‌دهد.

گنجوی برای نشان دادن تصویری کامل از مفعول مستقیم در زبان فارسی به بررسی مواردی پرداخته که مفعول مستقیم به‌عنوان واژه‌بست ظاهر می‌شود. وی بر این باور است در چنین مواردی، حالت فاعلی در این افعال به عنصر غیرآشکار ضمیری اطلاق می‌شود که به‌وسیله مشخصه‌های فای واژه‌بست‌ها تعریف می‌شود.

1. Sh. Ganjavi

2. IP

3. DP

این سازوکار تحلیلی نشان‌دهنده مضاعف‌سازی واژه‌بستی است که همانند مواردی است که واژه‌بست به‌عنوان مفعول غیرمستقیم ایفای نقش می‌کند.

از دیدگاه نقش‌گرایی، معزی‌پور (۱۳۹۸) به بررسی ساخت‌های چپ‌چین در زبان فارسی پرداخته و از منظر ساختار اطلاعاتی به دو ساخت نحوی چپ‌چین مبتدامحور و تقابلی در زبان فارسی قائل است. یکی دیگر از نقش‌های چپ‌چین ایجاد کانون تقابلی برای مفعول متممی چپ‌چین است. ساختی که در آن دو مالک بیرونی^۱ وجود دارد ساخت ملکی بیرونی دوگانه نامیده می‌شود و زبان فارسی امکان چپ‌چینی هم‌زمان دو مالک را مهیا می‌سازد. این ساخت چپ‌چین مبتدامحور با میزبانی دو سازه گسسته چپ‌چین در حاشیه بند و ساخت چپ‌چین تقابلی با ویژگی‌های درون‌بندی بودن و کانونی بودن سازه چپ‌چین، بنا به دلایلی، در ساخت لایه‌ای بند چالش‌برانگیز هستند. وی با معرفی دو جایگاه نحوی زبان-ویژه به حاشیه چپ مرکز در ساخت لایه‌ای بند در دستور نقش و ارجاع، راه را برای تبیین ساخت‌های چپ‌چین توسط این الگوی دستوری هموار کرده است.

۳- مبانی نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای فرضیه انواع مبتدای فرازکارلی و هینترهوزل (۲۰۰۷) است. آنان خاطر نشان می‌کنند فرافکن‌های مبتدای مختلف در انگاره ریتزی^۲ (۱۹۹۷) در واقع با انواع گوناگون مبتداهایی که به‌صورت سلسله‌مراتبی نظم یافته‌اند منطبق می‌شوند؛ استارگین^۳ (۲۰۰۸) آن را به‌صورت زیر به تصویر می‌کشد:

2. Topic hierarchy:

Shifting topic[+aboutness] > Contrastive topic > Familiar topic

انواع گوناگون مبتداهای که توسط پژوهشگران معرفی می‌شوند عبارتند از:

الف) مبتدای دربارگی^۴ که به ما می‌گوید جمله در مورد چیست.

ب) مبتدای تقابلی^۵ عنصری است که با فراهم کردن جایگزین‌هایی که هیچ تأثیری بر روی ارزش کانونی ندارند، یک جفت تقابلی با در نظر گرفتن موضوعات دیگر ایجاد می‌کند (بورینگ^۶، ۱۹۹۹؛ کونو^۷، ۱۹۷۶).

پ) مبتدای آشنا^۸، یک سازه قابل دسترسی یا داده شده را معرفی می‌کند که از دیدگاه پستسکی^۹ (۱۹۸۷) نوعاً بدون تکیه بوده و در فرم ضمیری تشخیص داده می‌شود.

1. external possessor

2. L. Rizzi

3. A. Sturgeon

4. Shifting topic [+aboutness]

5. Contrastive topic

6. D. Büring

7. S. Kuno

8. Familiar topic

9. D. Pesetsky

۴- ویژگی‌های توصیفی

ساخت چپ‌چین فرایند نحوی نشان‌داری است که در آن آرایش واژگان از ترتیب سازه‌ای معمول در یک زبان خارج می‌شود و سازه‌هایی حاشیه چپ را به خود اختصاص می‌دهند که در حالت معمول در آن جایگاه قرار ندارند. بازیافت این سازه‌ها به صورت عناصر بازیافتی در درون بند آشکار می‌شود. در گونه هورامی دو نوع ساخت چپ‌چین واژه‌بستی و تقابلی وجود دارند که تفاوت آن‌ها به نوع و جایگاه عنصر بازیافتی برمی‌گردد. در این بخش با ارائه نمونه‌های این ساخت‌ها، نوع عنصر بازیافتی و جایگاه آن به تفصیل معرفی می‌شوند.

۴-۱- ساخت چپ‌چین واژه‌بستی در هورامی

ترتیب کلمات در گویش هورامی به صورت SOV است و یک زبان ضمیرانداز محسوب می‌شود؛ بنابراین وندهای تصریفی مطابقت برای تشخیص فاعل اهمیت کانونی دارند. این وندها با توجه به زمان دستوری فعل یعنی لازم و متعدی بودن و گذشته و حال تنوع زیادی پیدا می‌کنند. واژه‌بست‌ها در مقایسه با وندها تعداد محدودتری دارند و بر روی گروه‌ها اعمال می‌شوند یعنی از نظر نحوی و معنایی وابسته به یک گروه نحوی هستند و نسبت به وندها آزادی عمل بیشتری در میزبان‌گزینی دارند و می‌توانند به میزبان‌های مختلفی متصل شوند. به عبارت دیگر، واژه‌بست‌ها همانند وندها چندان گزینشی عمل نمی‌کنند و آزادی حرکت از خصوصیات ممیز آن‌ها است.

جدول ۱: واژه‌بست‌های گویش هورامی

شخص و شمار	صورت واژه‌بستی
اول شخص مفرد	? em
دوم شخص مفرد	? eʃ
سوم شخص مفرد مذکر	? eš
سوم شخص مفرد مؤنث	? aš
اول شخص جمع	mâ
دوم شخص جمع	tâ
سوم شخص جمع	šâ

در تعریف ساخت چپ‌چین واژه‌بستی به عناصر چپ‌چین شده اشاره می‌شود که عنصر بازیافتی داخل بند یک واژه‌بست باشد. در گویش هورامی واژه‌بست‌ها جایگاه خاصی را به خود اختصاص می‌دهند و همین موضوع لزوم بررسی ساخت چپ‌چین واژه‌بستی را در این گویش قوت می‌بخشد. واژه‌بست‌ها در جایگاه‌های مختلف داخل بند در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی ظاهر می‌شوند و با قلم پررنگ که زیر آن خط کشیده شده مشخص شده‌اند:

الف) متصل به فعل متعدی:

3. kor-aka, (ema) vin-me=š.

Boy-DEF¹, we PRES.see-1PL=CL.OBL

پسر را، ما می‌بینیمش.

(ب) متصل به جزء غیرفعلی فعل مرکب:

4. Măšin-aka-m, â pyâ waš=eš kar-o.

Car-DEF-1SG, that man fix=CL.OBL make-3SG

ماشین ما را، آن مرد تعمیرش می‌کند.

(ج) متصل به مفعول مستقیم:

5. kor-aka, (ema) kteb=š m-ŕe-me pna.

Boy-DEF, we book=CL.OBL PRES-give-1PL to

پسر را، ما کتاب را بهش می‌دهیم.

(د) متصل به مضاف:

6. Â žane, makhlogh lev-ye pey yâna-y=š.

That woman, people PST.go-3PL at home-OB =CL.OBL

آن زن، مردم رفتند به خانه‌اش.

(ه) متصل به حرف‌افزافه:

7. kor-aka, (ema) m-l-me ĉni=š.

Boy-DEF, we PRES-go-1PL with=CL.OBL

پسر را، ما باهاش می‌رویم.

گروه‌های اسمی، به صورت چپ‌چین در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی گویش هورامی، ظاهر می‌شوند:

8. Â havar-e, (men) sabey šur-u=šâ.

Those dishes-PL, (I) tomorrow clean.PRES-1SG=CL.OBL

ظرف‌ها را، من فردا می‌شویمشان.

9. Â žane, makhlogh lev-ye pey yâna-y=š.

That woman, people PST.go-3PL at home-OBL=CL.OBL

آن زن، مردم رفتند به خانه‌اش

10. Sirvân, (ema) kteb-e=š m-ŕe-me pna.

Sirvan, we book-PL=CL.OBL PRES.give-1PL to

سیروان، ما به او کتاب می‌دهیم.

۱. اختصارات انگلیسی در این مقاله به شرح زیر می‌باشند:

PL: Plural, SG: Singular, CL: Clitic, OBL: Oblique, NOM: Nominative, ACC: Accusative, POSS: Possession, PRES: Present, PST: Past, PROG: Progressive, DEF: Definite, INDEF: Indefinite, M: Masculine, F: Feminine, GEN: Genitive, 1: First person, 2: Second person, 3: Third person

عناصر در نقش مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم و اضافی در جایگاه عناصر چپ‌چین می‌توانند قرار بگیرند؛ و توسط واژه‌بست‌های متصل به سازه‌های داخل بند بازیافت می‌شوند:
الف) در نقش مفعول مستقیم

11. **kor-aka**, (ema) vin-me=š.
Boy-DEF, we PRES.see-1PL=CL.OBL

پسر را، ما می‌بینیمش.

ب) در نقش مفعول غیر مستقیم حرف اضافه‌ای موضوعی

12. a. **kor-aka**, (ema) kteb=š m-le-me pna.
Boy-DEF, we book=CL.OBL PRES-give-1PL to

پسر را، ما کتاب را بهش می‌دهیم.

در نقش افزوده حرف اضافه‌ای

- b. **kor-aka**, (ema) m-l-me ĉni=š.
Boy-DEF, we PRES-go-1PL with=CL.OBL

پسر را، ما باهاش می‌رویم.

ج) در نقش اضافی

13. a. **kor-aka**, (ema) kteb-aka-y=š bar-me.
Boy-DEF, we book-DEF-OBL=CL.OBL PRES.take-1PL

پسر را، ما کتابش را برمی‌داریم.

۴-۲- ساخت چپ‌چین تقابلی در هورامی

ساخت چپ‌چین تقابلی ویژگی‌های مشترک زیادی با ساخت چپ‌چین واژه‌بستی دارد که در گویش هورامی نیز ظاهر می‌شود.

اما، از تفاوت‌های بارز آن با ساخت چپ‌چین واژه‌بستی می‌توان به نوع و جایگاه ضمیر بازیافتی در این ساخت اشاره کرد.

در این نوع ساخت چپ‌چین همانند چپ‌چین واژه‌بستی فقط گروه‌های اسمی می‌توانند چپ‌چین شوند:

14. **â peyâ**, **âna** kteb-e=m dâ pna
That man that.M book-OBL=CL PST.give.3SG to.

آن مرد، همانی که کتاب را به او دادم.

گروه اسمی در جایگاه مفعول غیرمستقیم در مثال (۱۴) چپ‌چین شده است. واژه‌بست از نوع بازیافت عبارت‌های چپ‌چین نیست، بلکه برای شناسایی فاعل در افعال متعدی زمان گذشته کنایی به‌کار گرفته می‌شود. اگر گروه حرف اضافه‌ای جمله (۱۴) چپ‌چین شود، جمله حاصل (جمله ۱۵) غیردستوری خواهد بود:

- 15.* **Pna â peyâ**, **âna** kteb-e=m dâ.

To that man that.M book-OBL=CL PST.give.3SG.

به آن مرد، همانی که کتاب دادم.

گروه‌های اسمی در جایگاه مفعول مستقیم فعل متعدی و فاعل افعال لازم در جملات (۱۶) و (۱۷) چپ‌چین می‌شوند:

16. **Kteb-aka, âna** asâ-m.

Book-DEF that.M PST.buy-1SG.

کتاب، همانی که خریدم.

17. **peyâ-ka, âna** ɬv-â.

Man-DEF that.M PST.go-3SG.

مرد، همانی که رفت.

عنصر بازیافتی در ساخت چپ‌چین تقابلی از نوع ضمائر اشاره‌ای است که انواع آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: ضمائر اشاره در گویش هورامی

جنس (مذکر یا مؤنث)	اشاره به دورتر	اشاره به دور	اشاره به نزدیک
مذکر	ouna	âna	ina
مؤنث	oune	âne	ine
جمع (مذکر و مؤنث)	oune	âne	ine

این ضمائر با توجه به بافت جمله به صورت مستقل یا متصل به "na" یا "ne" تظاهر می‌یابد. عناصر بازیافتی از این دست دقیقاً بعد از عبارت‌های چپ‌چین یعنی در جایگاه سازه دوم در جمله قرار می‌گیرند. جایگاه عنصر بازیافتی در ساخت چپ‌چین تقابلی برخلاف ساخت چپ‌چین واژه‌بستی ثابت است (عناصر بازیافتی اشاره‌ای به صورت ایتالیکی پررنگ در جملات مشخص شده است).

برای بررسی عملکرد زمان بر ساخت چپ‌چین تقابلی از داده‌های زیر کمک می‌گیریم:

18. **Kteb-aka, âna** asâ-m.

Book-DEF that.M PST.buy-ISgG.

کتاب، همان که خریدم.

19. **Kteb-aka, âna** msâ-n-u-š.

Book-DEF that.M pres.buy-1SG=CL.

کتاب، همان که آنرا می‌خرم.

در زمان گذشته افعال متعدی (جمله (۱۸)) ساخت چپ‌چین تقابلی برقرار است. زمان حال این افعال (جمله

(۱۹) علاوه بر ضمیر اشاره‌ای بازیافتی، واژه‌بست بازیافتی هم در داخل بند ظاهر می‌شود.

20. **I pe-ye, ine** kteb=m d-ye pna.

These men-PL these.M book=CL.ISG PST.give-PL to

این مردها، اینها که کتاب به آنها دادم.

21. **I pe-ye, ine** kteb=šâ ml-o pna.

These men-PL these.M book=CL PRES.give-1SG to.

این مردها، اینها که کتاب به آنها می‌دهم.

در جملات با افعال دو مفعولی در زمان گذشته (جمله (۲۰)) یک نوع ضمیر اشاره‌ای بازیافتی در ساخت چپ‌چین تقابلی ظاهر می‌شود، اما این افعال در زمان حال (جمله (۲۱)) الزاماً عبارت چپ‌چین تقابلی با دو نوع ضمیر بازیافتی - اشاره‌ای و واژه‌بستی - همراه می‌شود.

22. **Peyâ-ke, âne** lvâ-ni pey yâna-y=šâ.

Men-DEF those PST.go -1SG to home-OBL=CL.

مردها، آنهایی که به خانه‌شان رفتیم.

23. **Peya-ke, âne** ml-u pey yana-y=šâ.

Men-DEF those PRES.go-1SG to home-OBL=CL.

مردها، آنهایی که به خانه‌شان می‌روم.

در مورد افعال لازم در زمان‌های حال و گذشته در ساخت‌های چپ‌چین تقابلی (جمله (۲۲) و (۲۳))، افزوده‌های چپ‌چین خود را به صورت دو نوع ضمیر بازیافتی - ضمیر اشاره‌ای در جایگاه سازه دوم و ضمیر واژه‌بستی در داخل بند با جایگاه‌های متغیر - بازیافت می‌کنند.

۵- ساختار اطلاعی

گوشور یک زبان برای ابراز و بیان مطالب مورد نظرش، ساخت‌های مختلف نحوی را در اختیار دارد تا از بین آنها آنچه با قصد و نیتش سازگاری دارد برگزیند. چرایی انتخاب هر یک از این صورت‌بندی‌های نحوی با نقش اطلاعی آنها ارتباط دارد و کنکاش راجع به ساختار اطلاعی ساخت‌های مختلف نحوی حائز اهمیت است.

ساختار اطلاعی در واقع اصول و قواعد دستوری است که ساخت صوری زبان را به موقعیت ارتباطی که در آن قرار دارد مربوط می‌سازد؛ به عبارت دیگر ساخت اطلاع به بررسی این رویداد می‌پردازد که چگونه اطلاع در زبان شکل می‌گیرد و چرا برخی ساختارهای دستوری برای انتقال معنایی خاص استعمال می‌شوند. توزیع اطلاع کهنه و نو از کارکردهای اصلی ساخت اطلاع است و بدین منظور از ابزارهای نحوی متنوعی مانند استفاده از ضمیر و نشانه‌های صرفی، بیان معرفگی برای اشاره به مصادیق آشنا بهره می‌برد. چپ‌چین یکی از ساخت‌های نحوی است که درخور بذل توجه به رفتار آن به لحاظ کلامی است. در این بخش ساخت‌های چپ‌چین واژه‌بستی و تقابلی گوشورامی از نقطه‌نظر ساخت اطلاعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۵- نقش اطلاعی ساخت‌های چپ‌چین

از مضامین پر کاربرد و مرتبط با ساخت‌های چپ‌چین در حوزه ساخت اطلاع، مبتدا است که به معنای چیزی که جمله درباره آن خبر می‌دهد و حاوی اطلاع کهنه و مفروض است و از خصوصیات قابل ذکر شرط دربارگی است. بند حاصل بعد از عنصر چپ‌چین، درباره عبارت چپ‌چین به ما اطلاعات می‌دهد. این ویژگی را می‌توان از منظر مبتدا و خیر در ساخت اطلاعی مشاهده کرد.

عناصر چپ‌چین (مبتدا) در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی دربردارنده اطلاع کهنه است و سازه‌ای معرفه به حساب می‌آید. معرفگی در هورامی با بکارگیری [-aka] در انتهای گروه‌های اسمی مذکر و [-ake] در گروه‌های اسمی مونث نشان داده می‌شود. البته معرفگی از طریق اضافه شدن به اسم دیگر یا استفاده از صفات اشاره در ابتدای اسم نیز به نمایش در می‌آید.

بند حاصل بعد از عبارت چپ‌چین (خبر)، حاوی اطلاع نو است و کانون به حساب می‌آید و از آنجا که در تقابل و رقابت با عنصر دیگری قرار می‌گیرد تقابلی تعبیر می‌شود. این کانون تقابلی دقیقاً بعد از عبارت چپ‌چین شتمرکز و پیام اصلی بند را بر عهده دارد.

24. kor-aka, **ema** kteb-š m-še-me pna.
Boy-DEF, we book=CL.OBL PRES-give-1PL to

پسر را، ما (و نه کس دیگری) کتاب را بهش می‌دهیم.

در جمله (۲۴) تأکید اصلی جمله بر روی ضمیر «ما» است که عمل تحویل دادن کتاب را انجام می‌دهد و تلویحاً ابراز می‌کند که این عمل توسط شخص دیگری انجام نگرفته است. حال اگر سازه دوم در این جمله یعنی [ema] تغییر کند، تأکید و کانون تقابل دهنده نیز تغییر خواهد کرد:

25. kor-aka, **kteb-š** m-še-me pna
Boy-DEF, book=CL.OBL PRES-give-1PL to

پسر را، کتابش (نه کیفش و یا چیز دیگری) را بهش می‌دهیم.

از نقطه نظر نقش اطلاعی، ساخت‌های چپ‌چین تقابلی مشابه ساخت چپ‌چین واژه‌بستی است به این صورت که عبارت چپ‌چین معرفه، مبتدا و اطلاع کهنه است و ضمیر باز یافتی اشاره‌ای در جایگاه دوم بعد از عبارت چپ‌چین قرار می‌گیرد.

فراز کارلی و هینتزهولزل (۲۰۰۷) در تعریف مبتداها و انواع آن به معرفی حداقل سه نوع مبتدای قابل شناسایی اشاره کرده‌اند:

(۱) مبتدای دربارگی (مبتدای تغییر): آنچه که جمله حول آن می‌چرخد، منحصرأ سازه‌ای که به تازگی معرفی شده باشد یا در دست تغییر باشد.

(۲) مبتدای تقابلی: عنصری با ایجاد جایگزین‌هایی که هیچ تأثیری بر ارزش کانونی ندارند به بازآفرینی جفت‌های تقابلی با در نظر داشتن مبتداهای دیگر می‌پردازد.

۳) مبتدای آشنا: سازه بافت وابسته^۱ و موجود در گفتمان قبلی که بدون تکیه است و به صورت ضمیری نمایان می‌شود و عموماً برای پیوستگی و ادامه‌دار بودن مبتدا به کار می‌رود. آن‌ها در ادامه، ترتیب مبتداها را از چپ به راست بر مبنای ویژگی‌های عروضی و آهنگی‌شان به صورت سلسله‌مراتب مبتدایی فرموله می‌کنند:

مبتدای آشنا > مبتدای تقابلی > مبتدای تغییر (دربارگی)

بعد از اشاره مختصر به مضامین پرکاربرد در این قسمت به تفصیل ساخت چپ‌چین گویش هورامی از منظر ساخت اطلاع با نگاه دقیق‌تری بررسی می‌شود.

26. mâšin-aka, msân-u=š
Car-DEFPRES.buySG=CL.
ماشین را، می‌خرمش.

سازه مبتدا در هنگام گفتگو، مصداقش در آگاهی مخاطب قرار ندارد و گویشور با تکیه فعال‌سازی^۲ و مکث کوتاه مصداق سازه چپ‌چین را از حافظه طولانی مدت به حافظه کوتاه مدت مخاطب می‌آورد و درباره آن خبررسانی می‌کند در واقع هدف کلی که از مبتدا قرار دادن سازه‌های چپ‌چین دنبال می‌شود تبدیل کردن حالت غیرفعال / نیمه‌فعال به حالت فعال است.

از آنجایی که گویش هورامی از نوع زبان‌های ضمیرانداز است و فاعل اختیاری است، فاعل محذوف به این سبب که در گفتمان و بافت قبلی به آن اشاره شده، مبتدای آشنا در نظر گرفته می‌شود. در مقایسه با جمله قبل، به جمله زیر توجه کنید:

27. mâšin-aka, MIN msân-u=š.
Car-DEF I PRES.buy-1SG=CL

ماشین را، من می‌خرمش (نه کس دیگه‌ای).

تفاوت این جمله با جمله قبلی در درج فاعل روساختی در دومی است. [man] به عنوان فاعل مبتدایی، ارزش تقابلی دارد زیرا گویشور قصد دارد تأکید کند که قصد خرید ماشین دارد و کسی دیگر به غیر از او چنین نیتی ندارد. فاعل آشکار در این دست جملات نقش مبتدای تقابلی و فاعل غیرآشکار (محذوف) هم به دلیل تکرار آن در گفتمان‌های قبلی نقش مبتدای آشنا را ایفا می‌کنند.

برای تشریح نقش دیگر ساخت‌های چپ‌چین، استفاده از کلمات پرسشی تسهیل‌کننده ارائه مفهوم کانون است:

28. Q. pey ke mâšin msân-i?
For who car RES.buy-2SG.

برای چه کسی ماشین می‌خری؟

a. FARID, mâšin=š msân-u pey
Farid, car=CL PRES.buy-1SG for.

1. Discourse link (D-Link)
2. activation accent

فرید، ماشین برایش می‌خرم.

b. FARID, mâšin-š msân-u pey nak to ya kasiv tar
F car=CL PRES.buy-1SG for not you or anybody else

فرید، برایش ماشین می‌خرم نه تو یا دیگری.

در جمله پرسشی (۲۸) پاسخ‌های (a) و (b) در بردارنده سازه‌های کانون در آغاز جمله هستند. دو نوع اصلی کانون، کانون اطلاعی و کانون تقابلی است. کانون اطلاعی فقط اطلاع نو و از پیش فرض نشده را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. [Farid] در پاسخ (a) نشان‌دهنده اطلاع نوی است که مخاطب از قبل هیچ‌گونه ذهنیتی درباره آن نداشته است و کانون اطلاعی است. کانون تقابلی نوعی تضاد و تقابل با اطلاع قبلی مخاطب را القا می‌کند. [Farid] در جمله (b) کانون تقابلی است و اگر چه اطلاع نو است اما نو بودن آن با نو بودن کانون اطلاعی فرق دارد؛ به بیانی دیگر، در کانون تقابلی مخاطب از قبل ذهنیتی درباره اطلاعی که داده می‌شود برای خود متصور است و این اطلاع کانونی با اطلاع پیش‌فرض مخاطب در تقابل است. تفاوت دیگر کانون اطلاعی و کانون تقابلی به جنبه آوایی برمی‌گردد. کانون اطلاعی با تکیه ادا می‌شود و بر اطلاعی که می‌دهد تأکید می‌کند و کانون تقابلی در مقایسه از تکیه سنگین‌تری برخوردار است. آن‌گونه که در جمله (۲۸) اشاره شد، امکان دارد کانون محل تلاقی نو نباشد اما در رابطه کانونی قرار گیرد:

29. Q. Pey ke mâšin msân-i, Farid ya Farzad?

For who car car PRES.buy-2SG Farid or Farzad.

برای چه کسی ماشین می‌خری، فرید یا فرزاد؟

A. Farid, mâšin-š msân-u pey.

فرید، برایش ماشین می‌خرم.

در مجموع کانونی‌سازی به منظور تأکید و یا تقابل بیشتر است و برای تشخیص سازه‌های کانونی از سازه‌های مبتدایی باید بافت گفتمان، پیش‌انگاره‌های ذهنی مخاطب و گویشور و ویژگی‌های آوایی و کلامی را مدنظر داشت. نقش اطلاعی ساخت چپ‌چین واژه‌بستی گویش هورامی شامل دو کارکرد است: مبتدای دربارگی و کانون اطلاعی/تقابلی. در گام بعدی، به بررسی ساخت چپ‌چین تقابلی پرداخته می‌شود:

30. kor-aka, âna çri-m.

Boy-DEF that PST.call-1SG.

پسر، او که صدایش کردم.

در جمله (۳۰) عنصر چپ‌چین [koraka] اطلاع آشنا برای مخاطب است و به دلیل وجود ضمیر اشاره‌ای بازیافتی نوعی ارزش تقابلی با دیگر مبتداهای پیش‌فرض دیگر [korake] در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و مبتدای تقابلی به حساب می‌آید.

31. kor-aka, ana-šâ çri-m

در جمله (۳۱) حضور واژه‌بست متصل به ضمیر اشاره‌ای بازیافتی، تأیید کننده نقش مبتدای تقابلی این ساخت است زیرا واژه‌بست «šâ» از گروه اسمی جمع غایب پسرها [korake] در پیش‌فرض ذهنی مخاطب خبر می‌دهد که از بین آن‌ها، یکی از مبتداهای با ارزش تقابلی چپ‌چین می‌شود. خلاصه کلام ساخت‌های چپ‌چین از نظر نقشی برای برآوردن سه هدف: مبتداسازی دربارگی، مبتداسازی تقابلی و کانونی‌سازی تقابلی در گویش هورامی به‌کار گرفته می‌شوند و برای تأمین هر کدام از این اهداف به فراخور بافت پیش‌فرض گفتمان از ساخت مناسب موقعیت بهره می‌جوید.

مبتدای آشنا > کانون اطلاعی/تقابلی > مبتدای تقابلی > مبتدای تغییر (دربارگی)

با استناد به مشاهدات زبانی و بررسی استعمال ساخت‌های چپ‌چین توسط گویشوران بومی در بافت‌های زبانی مختلف، نقش اول یعنی مبتداسازی دربارگی بسامد گسترده‌تری در این گویش دارد و برای انواع کانونی‌سازی تقابلی از ابزارهای نحوی دیگر استفاده می‌شود و نقش ساخت چپ‌چین در برآورده کردن این‌گونه قالب‌بندی اطلاعی، در مقایسه با نقش‌های دیگر کم‌رنگ‌تر است. نقش دوم، یعنی مبتداسازی تقابلی، حد وسط کارکردها را شامل می‌شود.

۲-۵- زبان‌های مبتداً برجسته

زبان‌ها از نظر ساختاری به دو نوع فاعل برجسته^۱ و مبتداً برجسته تقسیم می‌شوند. کریمی (۲۰۰۳) بر این باور است، زبان‌های ایرانی از نوع فاعل برجسته نیستند؛ چرا که همه عناصر گروهی در داخل گروه فعلی پوخته‌ای ادغام می‌شوند. بند گزاره‌ای به یک واحد اطلاعی نیاز دارد بنابراین یکی از این عناصر به سمت واحد اطلاعی جابه‌جا می‌شود تا به‌عنوان کانون یا مبتداً تعبیر شود. از این نقطه نظر، هر عنصر می‌تواند مبتداً باشد و به‌عنوان فاعل گزاره شناخته شده و بقیه جمله به‌عنوان گزاره آن واقع شود.

کریمی با اشاره به داده‌هایی از زبان فارسی به مبتداً برجسته بودن زبان‌های ایرانی تأکید می‌کند. وی تفاوت بین زبان انگلیسی (از زبان‌های فاعل برجسته) و زبان فارسی (زبان مبتداً برجسته) را در خروج سازه گروهی به‌عنوان مبتداً با مثال زیر به تصویر می‌کشد:

32. a. This cake was baked by my mother.

b. in keyk-ro mâdar-am poxte.

This cake-râ mother-my cooked

This cake, my mother has baked (it) (Karimi, 2003)

از دیدگاه کریمی جمله (a۳۲) که توسط گویشوران انگلیسی‌زبان تولید می‌شود معمول بوده و در بافت زبانی آنها کاربرد دارد و برای خروج سازه غیرفاعلی مبتداً از ساختار مجهول کمک می‌گیرند. اما در قسمت (b) گویشوران فارسی‌زبان سازه غیرفاعلی مبتداً را بدون تغییر در ساختار فعل و تنها با نشانه مفعولی «را» به آغاز جمله انتقال می‌دهند.

گویش هورامی از خانواده زبان‌های ایرانی، در این ویژگی بسیار شبیه به زبان فارسی رفتار می‌کند:

33. a. ?I keyke afa-y=-m waš-æ karf-æ.

This cake mother-OBL=my well-F PST.do-F

" این کیک را مادرم درست کرد."

b. ?I keyke ba das-u afa-ye-m waš-æ kery-u.

This cake by hand-GEN mother-OBL-my well-F passive.do-3SG

" این کیک توسط مادرم درست می‌شود."

در جمله (۳۳a) همچون نمونه فارسی آن بدون نیاز به مجهول‌سازی، گروه اسمی مفعول مبتداسازی شده است و در قسمت (b) برای مبتداسازی ساخت مجهول به‌مثابه نمونه آن در زبان انگلیسی به‌کار گرفته شده که در گویش هورامی نامأنوس است و غیرمتعارف/ نشاندار محسوب می‌شود چرا که از بافت طبیعی این گویش خارج است.

ویژگی مبتدا برجستگی زبان‌های ایرانی و به تبع آن گویش هورامی بر روی نحو ساخت‌های زبانی آنها و نقش آن در گفتمان تأثیر مستقیم می‌گذارد.

کریمی (همان) محور استدلال خود را بر مبنای مبتداسازی قرار داده است که ردی از عناصر جابه‌جا شده در درون جمله باقی می‌ماند که مؤید حرکت آن‌هاست و موضوع این پژوهش ساخت چپ‌چین است که تفاوت بارزش با مبتداسازی در عناصر بازیافتی درون جمله است که در فاز گزاره‌ای ادغام می‌شوند؛ البته با این پیش‌فرض تجربی/ نظری که گویش هورامی از زبان‌های مبتدا برجسته است نحوه تحلیل ساخت‌های چپ‌چین تسهیل می‌شود.

۳-۵- ساخت‌های مشابه

در این بخش تلاش می‌شود با ارائه داده‌های مرتبط در لابلای تغییر زمان، ساخت‌های مشابه همچون مضاعف‌سازی و مبتداسازی معرفی شوند و تفاوت آن‌ها با ساخت چپ‌چین واژه‌بستی تبیین گردد. در بندهای گذشته متعدی، واژه‌بست (مطابقه‌نمای) هم‌مرجع با فاعل به سازه غیرفاعل (مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، جز غیر فعلی فعل مرکب، فعل، صفت و گروه اضافی) متصل می‌شود؛ در این ساخت‌ها فعل با مفعول جمله مطابقت می‌کند که دلالت بر برقراری الگوی کنایی گسسته در زمان گذشته دارد (کریمی، ۱۳۸۸) این الگوی واژه‌بست نشانی در متعدی گذشته را مضاعف‌سازی می‌نامد (واژه‌بست مضاعف‌ساز با قلم پر رنگ در جملات زیر نشان داده شده است).

34. (ema) kteb-ew=**mâ** as-â.

(We) book-INDEF=CLPST.buy-3SG

(ما) یک کتاب خریدیم.

35. (ema) kteb-e=**mâ** as-ey

(We) book-PL=CL PST.buy-3PL.

(ما) چند تا کتاب خریدیم.

در جمله (۳۵) به دلیل تغییر شمار مفعول از مفرد به جمع، صورت فعل نیز در مطابقت با شخص و شمار مفعول تغییر پیدا می‌کند.
از آنجایی که فاعل از طریق فعل و نظام مطابقتی در زمان گذشته قابل شناسایی نیست، در جملات (۳۴-۳۵) در صورت عدم حضور فاعل در گویش هورامی، این سازه از طریق واژه‌بست مضاعف‌ساز هم‌مرجع با فاعل تشخیص داده می‌شود و در واقع به‌عنوان ابزار بازیابی فاعل ایفای نقش می‌کند.
در جملات زیر واژه‌بست مضاعف‌ساز به ترتیب به مفعول غیرمستقیم، به جزء غیر فعلی فعل مرکب، صفت و فعل متصل شده است:

36. (ema) pey Sirvân-i=**mâ** as-â.
(We) for Sirvan-OBL.M=CL PST.buy-3SG

(ما) برای سیروان خریدیمش.

37. (ema) hâli=**mâ** kar.i.
(We) empty=CL PST. make-3SG

(ما) خالی‌ش کردیم.

38. (ema) sard-**mâ** bi.
(We) cold=CL PST.be-3SG

(ما) سردمان شد.

39. (ema) di-**mâ**.
(We) PST.see.3SG=CL

(ما) دیدیم.

حال اگر زمان جمله غیر از گذشته باشد الگوی انطباق فاعلی - مفعولی برقرار است؛ و انتظار می‌رود فعل جمله با فاعل مطابقت کند. در نتیجه واژه‌بست در صورت حضور، ضرورتاً با فاعل هم‌مرجع نخواهد بود: (در جمله (۴۲) و (۴۴) واژه‌بست "š" هم‌مرجع با مفعول مستقیم غایب و در جمله (۴۵) هم‌مرجع با مفعول غیرمستقیم است)

40. (ema) kteb-ew m-sân-me.
(We) book-INDEF PRES-buy-1PL.

ما کتابی می‌خریم.

41. (ema) kteb-e m-sân-me.
(We) book-PL PRES-buy-1PL.

ما کتاب‌هایی می‌خریم.

42. (ema) hâli=š kar-me.
(We) empty=CL PRES.make-1PL.

ما خالی‌اش می‌کنیم.

43. (ema) mâšin-e pey Sirvân-i m-sâ-n-me.
We car-PL for Sirvan-OBL.M PRES-buy-1PL

ما ماشین‌ها را برای سیروان می‌خریم.

44. (ema) pey Sirvân-i-šâ m-sâ-n-me.
We for Sirvan-OBL.M=CL PRES-buy-1PL

ما برای سیروان آن‌ها را می‌خریم.

45. (ema) mâšin-e-š pey m-sâ-n-me.
We car-PL=CL for PRES-buy-1PL

ما برایش ماشین می‌خریم.

46. (ema) mâšin-e pey Sirvân-i-šâ m-sâ-n-me.
We car-PL for Sirvan-OBL.M=CL PRES-buy-1PL

ما ماشین‌ها را برای سیروان (آن‌ها را) می‌خریم.

در صورت حضور سازه‌های مضاعف‌ساز شده در جمله، فرایند مضاعف‌سازی به منظور تأکید بر آن سازه انجام می‌گیرد. در جمله (۴۶) مفعول مستقیم حاضر به شکل واژه‌بست "šâ" متصل به مفعول غیرمستقیم مضاعف‌سازی شده است.

47. (ema) m-sâ-n-me-šâ pey-š.
We PRES-buy-1PL=CL for=CL

ما آن‌ها را برای او می‌خریم.

در جمله (۴۷) واژه‌بست‌های "š" و "šâ" متصل به حرف اضافه و فعل به ترتیب نقش بازیابی مفعول غیرمستقیم غایب و مفعول مستقیم غایب را برعهده دارند.

48. (ema) vin-me
We PRES.see-1PL

ما می‌بینیم.

49. (ema) m-sâ-n-me-šâ
We PRES-buy-1PL=CL

ما آن‌ها را می‌خریم.

در این داده‌ها چون زمان حال غیرکنایی است پس فاعل با فعل مطابقت می‌کند و در صورت غیبت فاعل، وند تصریف ابزار بازیابی فاعل خواهد بود و نیازی به مضاعف‌سازی واژه‌بست هم‌مرجع با فاعل بر روی سازه غیرفاعلی نخواهد بود (جمله (۴۸)).

در فعل‌های یک‌مفعولی در صورت غیبت مفعول مستقیم، واژه‌بست هم‌مرجع با مفعول بر روی فعل مضاعف‌سازی می‌شود (جمله (۴۹)). در فعل‌های دو مفعولی برای بازیابی مفعول مستقیم یا مفعول غیرمستقیم و یا تأکید بر مفعول مستقیم، واژه‌بست هم‌مرجع با سازه‌های عنوان شده بر روی سازه‌های غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. در صورتی که هر دو مفعول مستقیم و غیرمستقیم در جمله حذف باشند از طریق واژه‌بست‌های متصل به فعل برای مفعول مستقیم و نوع دیگر متصل به حرف اضافه برای مفعول غیرمستقیم بازیابی می‌شوند.

نکته‌ای که ذکر آن ضرورت پیدا می‌کند این است که برخی افعال همچون: biye (بودن)، garak biye (دوست داشتن) در گویش هوارمی در زمان حال و گذشته از الگوی انطباق کنایی پیروی می‌کنند. جمله (۳۸) که در قالب جمله (۵۰) در اینجا تکرار شده و در بستر زمان گذشته است با معادل زمان حال آن (جمله (۵۱)) هر دو در نظام کنایی تعریف می‌شوند:

50. (ema) sard=**mâ** bi.
We cold=CL PST.be-3SG

ما سردمان شد.

51. (ema) sard=**mâ** bo.
We cold=CL PRES.be-3SG

ما سردمان می‌شود.

ساخت دیگر مبتداسازی است که به ساخت چپ‌چین واژه‌بستی در گویش هورامی شباهت روساختی دارد؛ با این تفاوت که در مبتداسازی، عنصر بازیافت واژه‌بستی حضور ندارد (البته حضور واژه‌بست مضاعف‌ساز بلامانع است همچون جملات (۵۴) و (۵۵)). مبتدا، سازه پیش‌آیندشده‌ای است که به‌وسیله مکث کوتاه در گفتار (کاما در نوشتار) از بقیه جمله جدا می‌شود و در بستر زمان گذشته و حال برقرار است:

52. kteb-aka, ema as-â.
book-DEF we PST.buy-3SG.

کتاب راه، ما خریدیم

53. Kteb-aka-ye, ema m-sân-me.
Book-DEF-OBL we PRES-buy-1PL

کتاب را ما می‌خریم.

54. Sirvân, (ema) mâšîn=**mâ** pey as-â.
Sirvan we car=CL for PST.buy-3SG.

سیروان، (ما) برایش ماشین خریدیم.

55. Pey sirvân-i, (ema) mâšîn-**mâ** as-â.
For Sirvan-OBL we car=CL PST.buy-3SG

برای سیروان، (ما) ماشین خریدیم.

56. Pey sirvân-i, (ema) mâšîn m-sân-me
For Sirvan-OBL we car PST.buy-3SG

برای سیروان، (ما) ماشین می‌خریم.

بعد از تبیین ساخت‌های مضاعف‌سازی و مبتداسازی، درک مفهوم ساخت چپ‌چین واژه‌بستی آسان‌تر است؛ با این توضیح که چپ‌چین واژه‌بستی با حضور عنصر بازیافت واژه‌بستی در درون بند معنا پیدا می‌کند. اگر جملات (۵۲) و (۵۴) را به بستر زمان حال منتقل کنیم نتیجه حاصل جملات چپ‌چین واژه‌بستی زیر هستند:

57. Kteb-aka, (ema) m-sân-me=š.

book-DEF we PRES-buy-1PL=CL

کتاب را، ما می‌خریمشان

58. Sirvân, (ema) mâšin=š pey m-sân-me.

Sirvan we car=CL for PRES-buy-1PL

سیروان، ما برایش ماشین می‌خریم.

در جمله‌های (۵۷) و (۵۸) بازیافت عنصر مبتدا شده به صورت ضمیر بازیافتی واژه‌بستی متصل به یکی از سازه‌های داخل بند تظاهر پیدا می‌کند.

دربارهٔ افعال لازم و چپ‌چین شدن سازه‌های غیرموضوعی (افزوده‌ها) به داده‌های زیر توجه کنید:
زمان حال فعل لازم:

59. Žan-ake, (ema) m-l-me pey yâna-ye=š.

Woman-DEF, we PRES-go-1PL for home-OBL=CL

زن، ما به خانه‌اش می‌رویم.

زمان گذشته فعل لازم:

60. Žan-ake, (ema) levey-me pey yâna-ye=š.

Woman-DEF, we PST.go-IPL for home-OBL=CL

زن، ما به خانه‌اش رفتیم.

پس افعال متعدی زمان حال و افعال لازم زمان حال و گذشته مشمول ساخت چپ‌چین واژه‌بستی می‌شوند.

۵-۴- رد فرضیه مضاعف‌سازی

زبان‌شناسانی مانند سورین^۱ (۱۹۹۰)، آگوراکي^۲ (۱۹۹۳)، کین^۳ (۱۹۹۴) و گروه‌من^۴ (۲۰۰۰) بر این باورند که در بعضی زبان‌ها چپ‌چین واژه‌بستی نتیجه پدیده مضاعف‌سازی است. برای بررسی این فرضیه در گویش هورامی به ویژگی‌های دو ساخت رجوع می‌شود.

مضاعف‌سازی واژه‌بستی سازه فاعل در زمان‌های گذشته روی می‌دهد:

61. Men kteb-ew=m asâ.

I book-INDEF=CL buy.PST-φ

من یک کتاب خریدم.

62. Men kteb-aka-m asâ.

I book-DEF=CL buy.PST-φ

من کتاب را خریدم.

1. C. Dobrovie-Sorin

2. Y. Agouraki

3. R. Kayne

4. K. Grohmann

در فرایند مضاعف‌سازی سازه فاعل، در صورتی که سازه مفعول مستقیم (معرفه یا نکره) حضور داشته باشد میزبان واژه‌بست قرار می‌گیرد؛ و واژه‌بست مضاعف‌ساز نسبت به اطلاع کهنه یا نو بودن میزبان خود حساس نیست:

فاعل مبتدایی:

63. Q. Ashkân-i cheš=eš asâ ?

Ashkan-OBL what=CL buy.PST-φ

اشکان چه چیزی خرید؟

A. (Ashkân-i) kteb=š asâ.

(Ashkan-OBL) book=CL buy.PST-φ

(اشکان) کتاب خرید.

فاعل کانونی:

64. Q. Ke kteb=š asâ?

Who book=CL buy.PST-φ

چه کسی کتاب خرید؟

a. Susan-ə kteb=š asâ.

Susan-OBL book=CL buy.PST-φ

سوسن کتاب خرید.

b. Susan-ə asâ=š.

Susan-OBL buy.PST-φ=CL

این داده‌ها نشان می‌دهند ساخت مضاعف‌سازی واژه‌بست به ساخت اطلاع حساس نیست و در هر دو نوع فاعل مبتدایی و فاعل کانونی، حضور واژه‌بست مضاعف شده اجباری است؛ نوع میزبان واژه‌بست مضاعف‌ساز بستگی به حضور دیگر سازه‌ها در سطح بند دارد. اگر مفعول مستقیم در بند حضور داشته باشد، واژه‌بست آن را به‌عنوان میزبان برمی‌گزیند و در غیبت آن، مفعول غیرمستقیم، جزء غیرفعلی فعل مرکب و یا خود فعل غیرمرکب به‌عنوان میزبان واژه‌بست انتخاب می‌شود. حال به ساخت چپ‌چینی واژه‌بستی جملات زیر توجه کنید:

65. a. Kteb-aka, men m-sân-u=š.

Book-DEF I buy.PRES-1SG=CL

b. *Kteb-ew, men m-sân-u=š.

Book-INDEF I buy.PRES-1SG=CL

در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی فقط گروه‌های اسمی معرفه (مبتدا و کانون) امکان چپ‌چین شدن را دارند و گروه‌های کانونی نکره چپ‌چین نمی‌شوند، به عبارت دیگر ساخت چپ‌چین واژه‌بستی به ساخت اطلاع حساس است. البته ذکر این نکته ضروری است که معرفه و نکره بودن سازه‌ها به کهنه و نو بودن آن‌ها ارتباط دارد و مشخص‌بودگی از ویژگی سازه‌های آغازی زبان‌های ایرانی است (کریمی، ۲۰۰۳).

رویکرد متفاوت دو ساخت مضاعف سازی و چپ‌چین واژه‌بستی نسبت به وضعیت ساخت اطلاعی سازه هم‌مرجع، پیوند این دو ساخت و هم ریشه بودن آن‌ها را نقض می‌کند. شاهد دیگر برای رفتار متفاوت واژه‌بست در دو ساخت مذکور مربوط به غیرمقید بودن واژه‌بست به قلمرو بند خود در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی و اجباری بودن آن در قلمرو بند ساخت مضاعف‌سازی است:

66. Mâšin-aka-ye (ema) m-sân-me ta vraš-me=š.

Car-DEF-OBL(we) buy.PRES-IPL until sell.PRES-IPL=CL

ماشین را، ما می‌خریم تا بفروشیمش.

67. Susan-ə mâšin=(š)* asâ o vrat-š.

Susan-OBL car=CL buy.PST and sell.PST=CL

سوسن، ماشین خرید و فروختش.

در جمله (۶۶) عنصر چپ‌چین در بند پایه و عنصر بازیافتی آن در بند پیرو قرار دارد یعنی عنصر چپ‌چین و واژه‌بست بازیافتی آن می‌تواند دو گروه فعلی را پوشش دهند زیرا واژه‌بست بازیافتی در بند پیرو که عنصر چپ‌چین غایب است نقش موضوع درونی فعل را ایفا می‌کند و عدم حضور عنصر چپ‌چین خللی در اشتقاق نحوی و معنایی آن ایجاد نخواهد کرد. در جمله (۶۷) در بند پایه حضور گروه اسمی مضاعف‌سازی شده همراه با واژه‌بست ضروری است و در صورت غیبت آن جمله غیردستوری خواهد بود و واژه‌بست بند پیرو در حقیقت جایگزین سازه محذوف است، این سازه محذوف همان گروه اسمی و واژه‌بست مضاعف‌ساز متصل به آن در بند پایه است به عبارت دیگر واژه‌بست بند پایه از نوع واژه‌بست مضاعف‌ساز است و واژه‌بست بند پیرو از نوع غیرمضاعف‌ساز است و امکان جداسازی واژه‌بست مضاعف‌ساز از گروه اسمی مضاعف‌سازی شده وجود ندارد.

این داده‌ها نشان می‌دهند در مضاعف‌سازی شاهد حضور اجباری هم‌زمان واژه‌بست و همتای اسمی آن هستیم و در چپ‌چین واژه‌بستی، عدم حضور عنصر چپ‌چین از لحاظ معنایی و نحوی توسط واژه‌بست پر می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاشی جهت بررسی و توصیف ساخت‌های چپ‌چین در گویش هورامی و تمرکز اصلی آن بر تبیین ساخت اطلاع آن‌ها از منظر فرضیه انواع مبتداهای فرازکاری و هینترز هول بود. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت دو نوع ساخت چپ‌چین شامل ساخت چپ‌چین واژه‌بستی و تقابلی در گویش هورامی یافت می‌شوند و گروه‌های اسمی، صورت بارز عبارت‌های چپ‌چین در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی و تقابلی در نظر گرفته می‌شوند. عناصری در نقش مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم و اضافی در جایگاه عناصر چپ‌چین می‌توانند قرار بگیرند که توسط واژه‌بست‌های متصل به سازه‌های داخل بند بازیافت می‌شوند. واژه‌بست‌ها در مقایسه با وندها در گویش هورامی تعداد محدودتری دارند و در جدول (۴-۱) واژه‌بست‌های گویش هورامی

معرفی شده‌اند. آن‌ها همچون وندها به یک میزبان نیاز دارند تا به آن بپیوندند؛ ولی برخلاف وندها، جزئی از ساختمان واژه میزبان محسوب نمی‌شوند و نسبت به وندها آزادی عمل بیشتری در میزبان‌گزینی دارند و می‌توانند به میزبان‌های مختلفی متصل شوند که عبارتند از: الف) متصل به فعل متعدی: ب) متصل به جزء غیرفعلی فعل مرکب: ج) متصل به مفعول مستقیم: د) متصل به مضاف: ه) متصل به حرف اضافه

ساخت چپ‌چین تقابلی در هورامی ویژگی‌های مشترک زیادی با ساخت چپ‌چین واژه‌بستی دارد. در این نوع ساخت گروه‌های اسمی در جایگاه‌های مفعول مستقیم و غیرمستقیم افعال متعدی و فاعل افعال لازم چپ‌چین می‌شوند؛ عنصر بازیافتی در ساخت چپ‌چین تقابلی از نوع ضمائر اشاره‌ای است که به انواع آن در گویش هورامی در جدول (۴-۲) اشاره شده است، عناصر بازیافتی از این دست دقیقاً بعد از عبارت‌های چپ‌چین یعنی در جایگاه ثابت سازه دوم در جمله قرار می‌گیرند.

سپس ساخت‌های چپ‌چین واژه‌بستی و تقابلی گویش هورامی از نقطه‌نظر ساخت اطلاعی مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجایی که گویش هورامی از نوع زبان‌های ضمیرانداز است و فاعل اختیاری است، فاعل محذوف به این سبب که در گفتمان و بافت قبلی به آن اشاره شده، مبتدای آشنا در نظر گرفته می‌شود. ویژگی مبتدا-برجستگی زبان‌های ایرانی و به تبع آن گویش هورامی بر روی نحو ساخت‌های زبانی و نقش آن در گفتمان تأثیر مستقیم می‌گذارد. با استناد به فرازکاری و هیترهولز (۲۰۰۷) مشخصه‌های مبتدایی عناصر چپ‌چین هورامی در این قالب نحوی پیشنهادی توجیه شد. این دو زبان‌شناس ضمن تأیید فرضیه ریتزی (۱۹۹۷) و تکمیل فرافکنی مبتدا، سلسله مراتب مبتدایی را در ترتیب زیر ارائه می‌دهند:

مبتدای آشنا > کانون > مبتدای تقابلی > مبتدای دربارگی

نقش اطلاعی ساخت چپ‌چین واژه‌بستی گویش هورامی شامل دو کارکرد است: مبتدای دربارگی و کانون اطلاعی / تقابلی. ساخت چپ‌چین تقابلی نیز نقش مبتدای تقابلی را ایفا می‌کند. در مجموع ساخت‌های چپ‌چین از نظر نقشی برای برآوردن سه هدف: مبتداسازی دربارگی، مبتداسازی تقابلی و کانونی‌سازی اطلاعی / تقابلی در گویش هورامی به کار گرفته می‌شوند و برای تأمین هر کدام از این اهداف به فراخور بافت پیش‌فرض گفتمان از ساخت مناسب موقعیت بهره می‌جوید. با استناد به مشاهدات نگارنده که گویشور این زبان است و بررسی استعمال ساخت‌های چپ‌چین توسط گویشوران بومی در بافت‌های زبانی مختلف، نقش اول یعنی مبتداسازی دربارگی بسامد گسترده‌تری در این گویش دارد و برای انواع کانونی‌سازی از ابزارهای نحوی دیگر استفاده می‌شود و نقش ساخت چپ‌چین در برآورده کردن این گونه قالب‌بندی اطلاعی، در مقایسه با نقش‌های دیگر کم‌رنگ‌تر است. نقش دوم، یعنی مبتداسازی تقابلی، حد وسط کارکردها را شامل می‌شود.

دو ساختار مشابه ساخت چپ‌چین واژه‌بستی در هورامی شامل مضاعف‌سازی واژه‌بستی و مبتداسازی است که با معرفی و ارائه داده‌های مرتبط بررسی شدند، در زمان گذشته، واژه‌بست هم‌مرجع با فاعل به سازه غیرفاعل (مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، جز غیرفعلی فعل مرکب، فعل، صفت و گروه اضافی) متصل می‌شود و در افعال متعدی فعل با مفعول جمله مطابقت می‌کند که نشان‌دهنده کنایی بودن این گویش در زمان گذشته است و با عنوان ساخت مضاعف‌سازی واژه‌بست شناخته می‌شوند. مبتداسازی بسیار شبیه به ساخت

چپ‌چین واژه‌بستی در گویش هورامی است با این تفاوت که در مبتداسازی، عنصر بازیافت واژه‌بستی حضور ندارد. افعال متعدی زمان گذشته مشمول مبتداسازی می‌شوند. ساخت چپ‌چین واژه‌بستی در بستر افعال متعدی زمان حال و افعال لازم زمان گذشته و حال برقرار است.

در ادامه فرضیه مضاعف‌سازی واژه‌بستی ساخت‌های چپ‌چین در گویش هورامی با دو استدلال رد شد. در فرایند مضاعف‌سازی سازه فاعل، سازه مفعول مستقیم (معرفه یا نکره) در صورت حضور میزبان آن شکل می‌گیرد؛ واژه‌بست مضاعف‌ساز نسبت به اطلاع کهنه یا نو بودن میزبان خود حساس نیست و اما انتخاب نوع میزبان واژه‌بست مضاعف‌ساز بستگی به حضور دیگر سازه‌ها در سطح بند دارد. اگر مفعول مستقیم در بند حضور داشته باشد، واژه‌بست آن را به‌عنوان میزبان برمی‌گزیند و در صورت عدم حضور مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، جزء غیرفعلی فعل مرکب و یا خود فعل غیرمرکب به‌عنوان میزبان واژه‌بست انتخاب می‌شود. در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی فقط گروه‌های اسمی معرفه (مبتدا و کانون) امکان چپ‌چین شدن را دارند و گروه‌های کانونی نکره چپ‌چین نمی‌شوند، به عبارت دیگر ساخت چپ‌چین واژه‌بستی به ساخت اطلاع حساس است. رویکرد متفاوت دو ساخت مضاعف‌سازی و چپ‌چین واژه‌بستی نسبت به وضعیت ساخت اطلاعی سازه هم‌مرجع، پیوند این دو ساخت و هم‌ریشه بودن آن‌ها را نقض می‌کند.

شاهد دیگر برای رفتار متفاوت واژه‌بست در دو ساخت مذکور مربوط به غیرمقید بودن واژه‌بست به قلمرو بند خود در ساخت چپ‌چین واژه‌بستی و اجباری بودن آن در قلمرو بند ساخت مضاعف‌سازی است. در مضاعف‌سازی شاهد حضور اجباری هم‌زمان واژه‌بست و همتای اسمی آن هستیم و در چپ‌چین واژه‌بستی، عدم حضور عنصر چپ‌چین از لحاظ معنایی و نحوی توسط واژه‌بست پر می‌شود.

منابع

- معزی‌پور، فرهاد (۱۳۹۸). «بحثی در باب چپ‌نشانی فارسی و چالش‌های نظری آن برای دستور نقش و ارجاع». *پژوهش‌های زبانشناسی*، شماره ۲۱.
- Agouraki, Y. (1993). *Spec-Head Licensing: The Case of Foci, Clitic Constructions and Polarity Items*. A Case Study of Modern Greek. PhD diss., UCL.
- Alxiadou, A. (2017). *Left dislocation*, The awilly Blackwell Companion to Syntax, second edition.
- Anagnostopoulou, E. (1997). "Clitic Left Dislocation and Contrastive Left Dislocation." In *Materials on Left Dislocation*, edited by Elena Anagnostopoulou, Henk van Riemsdijk, and Frans Zwarts, 151-192. Amsterdam: John Benjamins.
- Büring, D. (1999). "Topic." In *Focus: Linguistic Cognitive and Computational Perspectives*, edited by Peter Bosch and Rob van der Sand, 142-165. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dobrovie-Sorin, C. (1990). "Clitic Doubling, Wh-Movement and Quantification in Romanian". *Linguistic Inquiry*, 21: 351-397.

- Frascarelli, M, and R Hinterhölzl. (2007). "Types of Topics in German and Italian." In *On Information Structure, Meaning and Form*, edited by Susanne Winkler and Kerstin Schwabe, 87-116. Amsterdam: John Benjamins.
- Ganjavi, Sh. (2007). *Direct Objects in Persian*. PhD dissertation, University of Southern California.
- Ghomeshi, J. (1997). *Topics in Persian VPs*. *Lingua* 102 (2-3): 133-167.
- Grohmann, K. (2000). "A Movement Approach to Contrastive Left Dislocation." *Rivista di Grammatica Generativa*, 25: 3-65.
- Haegeman, L. (2001). *DP Periphery and Clausal Periphery: Possessor Doubling in WF*. MS, University of Lille. 32 *Left Dislocation*.
- Karimi, S. (1989). *Aspects of Persian Syntax, Specificity, and the Theory of Grammar*. PhD dissertation, University of Washington.
- Karimi, S. (2003). "Focus Movement and the Nature of Uninterpretable Features". In *Carnie, Andrew, Heidi & Mary Willie (eds), Formal Approaches to Functional Focus*, John Benjamins; 297-306.
- Kayne, R. (1994). *The Antisymmetry of Syntax*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Kuno, S. (1976). "Subject, Theme, and the Speaker's Empathy: A Reexamination of Relativization Phenomenon". In *Subject and Topic*, edited by Charles N. Li, 417-444. New York, NY: Academic Press.
- Pesetsky, D. (1987). "Wh-movement and Unselective Binding". In *The Representation of (In)-Definiteness*, edited by Eric Reuland and Alice ter Meulen, 98-129. Cambridge, MA: MIT Press.
- Radford, A. (2009). *Analyzing English Sentence, a Minimalist Approach*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Riemsdijk, Henk van. (1997). "Left Dislocation." In *Materials on Left Dislocation*, edited by Elena. Anagnostopoulou, Henk van Riemsdijk, and Frans Zwarts, 1-10. Amsterdam: John Benjamins.
- Rizzi, L. (1997). *On the Fine Structure of the Left Periphery*. In *Elements of Grammar: A Handbook in Generative Syntax*, edited by Liliane Haegeman, 281-337. Dordrecht: Kluwer.
- Sturgeon, A. (2008). *The Left Periphery: The Interaction of Syntax, Pragmatics and Prosody in Czech*. Amsterdam: John Benjamins.